



20.1001.1.29809185.1402.2.3.6.4

مدرسه امام صادق (علیه السلام)؛ ویژگی‌ها و روش‌های پرورش نخبگان

زهره وظیفه^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

چکیده

در تاریخ اسلام از دیرباز، مساجد و خانه‌های دانشمندان، به عنوان مراکز پرورش نخبگان و انتقال دانش محسوب می‌شده است. امام صادق (علیه السلام) که به لحاظ علمی یکی از دانشمندان برجسته قرن دوم هجری به شمار می‌روند از روش‌های خاصی برای تربیت شاگردان استفاده می‌کردند که نقطه عطفی در گسترش دانش و تربیت نیروهای زبده در تاریخ آموزش قرن‌های نخست اسلامی محسوب می‌شود. تبیین این روش‌های تربیتی و چگونگی تعامل امام با نوابغ و استعدادها برتر آن دوره تاریخی می‌تواند الگوی تربیتی مناسبی در نظام آموزشی امروز باشد. نوشتار پیش رو با هدف تبیین روش‌های تربیتی امام صادق (علیه السلام) در پرورش نخبگان در پی پاسخگویی به این سؤال است که پیشوای ششم شیعیان برای پرورش نوابغ عصر خود از چه شیوه‌های تعلیمی و تربیتی استفاده نموده است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که امام علاوه بر حلقه‌های درس عمومی، در خانه خود نیز مدرسه خصوصی برای نخبگان رشته‌های مختلف علمی ترتیب داده و هر یک را در رشته علمی خاصی آموزش می‌دادند و به نقد و ارزیابی عملکرد علمی آنان می‌پرداختند. از دیگر ویژگی‌های مدرسه امام صادق (علیه السلام)، رویکرد آینده‌پژوهانه در تربیت نخبگان، تشویق و الگوسازی، تخصص‌گرایی، تشکیل جلسات مناظره و روش‌های آموزش متنوعی همچون املا و نامه‌نگاری برای انتقال دانش بوده است.

کلید واژگان: مدرسه امام صادق (علیه السلام)، خانه دانشمندان، حلقه درس، نخبگان.

۱. دانش آموخته سطح سه مکتب نرجس (ع) مشهد، ایران / www.sobh_piroozhi@yahoo.com

* وظیفه، زهره. (۱۴۰۲). «مدرسه امام صادق (علیه السلام)؛ ویژگی‌ها و روش‌های پرورش نخبگان»، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۳، صص ۱۸۰-۱۴۷.



مقدمه

مساجد یکی از پایگاه‌های نشر علم و تربیت دانشمند در صدر اسلام به شمار می‌روند. علاوه بر آن، خانه‌های دانشمندان نیز در این زمینه نقشی سترگ داشتند. خانه امام صادق علیه السلام یکی از مراکز علمی بود که شاگردان بسیاری در آن پرورش یافتند. گروهی از آنان نیز سرآمد شده و در طول حیاتشان به عنوان نخبگان علمی، فرهنگ شیعی را تحت تأثیر قرار دادند و به روش‌های علمی از آن محافظت کردند. نخبگان، افراد برجسته و ممتاز جامعه هستند که پرورش و جذب آنان در سرنوشت جوامع تأثیر بسزایی دارد. بنابراین شیوه‌های آموزش و تربیت آن‌ها از آموزش‌های عمومی متفاوت است. تحلیل روش‌های تربیتی امام صادق علیه السلام در پرورش نخبگان و استعداد‌های برتر، شیوه‌های تربیتی خوبی را در جهت رشد استعداد‌های برتر پیش روی جامعه علمی قرار می‌دهد.

این پژوهش با هدف آشنایی با روش‌های تربیتی امام صادق علیه السلام و در راستای پرورش نخبگان تدوین شده و در پی پاسخگویی به این سؤالات است:

- امام صادق علیه السلام برای آموزش و پرورش ویژه نخبگان چه اقداماتی انجام دادند؟
- امام صادق علیه السلام با شناخت ویژگی‌های فردی و استعداد‌های شاگردان، چگونه با تخصص‌گرایی به مدیریت استعداد‌های آنان پرداختند؟

در خصوص پیشینه باید دانست برخی از کتاب‌هایی که پیرامون زندگینامه و سیره علمی امام صادق علیه السلام تألیف شده، به صورت کلی و گذرا به بررسی نحوه تعامل ایشان با شاگردان نخبه و برجسته پرداخته است. / *سید حیدر* (۱۴۳۷ق) در کتاب "الامام صادق علیه السلام و مذاهب اربعه" به برخی از شیوه‌های امام صادق علیه السلام مانند برگزاری کلاس‌های درس خصوصی برای افراد برجسته و شیعیان خاص اشاره کرده است. *جعفریان* (۱۳۸۲) نیز در کتاب "حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام" با تحلیل

اوضاع اجتماعی آن دوران به روابط خاص امام با دانشمندان دینی اشاره کرده است. اما کتاب یا مقاله‌ای که به صورت خاص و مجزا نخبه‌پروری را در سیره امام صادق (ع) بررسی کرده باشد، به رشته تحریر درنیامده است.

اکنون برای فهم دقیق کمّ و کیف روابط میان امام و نخبگان ضروری است به منابع و روایاتی مراجعه کنیم که به طور ویژه به سلوک امام صادق (ع) با شاگردان پرداخته‌اند. در این زمینه مروجی طبسی (۱۴۲۲ق) در کتاب "امام صادق (ع) و تکریم شاگردان" به دو روش تشویق و تکریم اشاره نموده است. همچنین دیالمه (۱۴۳۱ق) در کتاب "الفکر التربوی الاسلامی عند الإمام جعفر بن محمد الصادق (ع)" روش‌های تربیتی و آموزشی امام صادق (ع) را بررسی کرده است. حسن‌وند، کریمی‌نیا و انصاری مقدم (۱۴۰۰ق) نیز در مقاله "مطالعه تحلیلی سبک مناظرات امام صادق (ع) در اثبات امامت" به سبک مناظرات امام را تحلیل نموده اما سایر روش‌های آموزشی و تربیتی ایشان را بررسی نکرده است. دآوری و سبحانی یامچی (۱۳۹۴) نیز در مقاله "چرایی و مبانی شاگردپروری در سیره علمی و عملی امام صادق (ع)" تنها بخش بسیار کوتاهی را به بیان این مبانی اختصاص داده و بیشتر به معرفی شاگردان برجسته امام پرداخته است.

این در حالی است که نوشتار پیش رو حوزه علمیّه امام صادق (ع) را تنها از جهت انتقال دانش و شاگردپروری بررسی نکرده است بلکه بیشتر بر این نکته معطوف است که چگونه این حوزه به عنوان یکی از کانون‌های آموزش قرن دوم توانسته افراد سرآمد و نخبه‌ای را تربیت کند که در جامعه منشأ اثر باشند و مکتب فکری امام صادق (ع) را ادامه دهند.

این نوشتار روش‌های امام صادق (ع) در پرورش نخبگان را با تحلیل روایات و منابع رجالی شیعه بررسی نموده و از آن رو که معتقد است مدیریت و پرورش افراد

نخبه با حوزه شناخت انسان رابطه تنگاتنگی دارد، سعی نموده به شیوه‌های امام در این زمینه توجه ویژه داشته باشد.

نقش امام صادق (ع) در انتقال دانش و فرهنگ اسلامی

امام صادق (ع) اصلی‌ترین تکیه‌گاه فکری و عقیدتی شیعه هستند که بخش بزرگی از احادیث و علوم اهل‌بیت (ع) از طریق ایشان گسترش یافته است (جعفریان، ۱۳۸۱، ۴۵۲). تحولی که ایشان در زمینه علم و فرهنگ به وجود آوردند، بی‌سابقه بود و مجامع علمی قرن‌های بعد را نیز تحت تأثیر قرار داد.

جامعه اسلامی در دوران امام صادق (ع) فراز و نشیب‌ها و تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مهمی را پشت سر می‌گذاشت. این دوران از نظر فرهنگی دوره تحول فکری و پیدایش فرقه‌ها و گروه‌های مختلف بود. گسترش روزافزون اندیشه‌های ناسالم، بر عطش فراگیری فرهنگ اصیل اسلام در مسلمانان واقعی می‌افزود. در این شرایط بود که امام صادق (ع) در برابر امواج اندیشه‌های بیگانه، مکتب جعفری را بنا نهاده و در پرتو آن به تعلیم و تربیت افراد پرداختند.

حرکت علمی و فرهنگی ایشان آنچنان بااهمیت است که می‌توان گفت دیگر جریان‌ها و حرکت‌های علمی مسلمانان به نوعی از این امام بزرگوار بهره جسته‌اند. بسیاری از پیشوایان اهل تسنن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم نزد امام شاگردی کرده‌اند. یکی از علمای بزرگ اهل سنت به نام جاحظ در این باره می‌گوید: «... وَجَعَلَ بَنُ مُحَمَّدٍ الَّذِي مَلَأَ الدُّنْيَا عِلْمَهُ وَفَقَّهَهُ. وَيُقَالُ: إِنَّ أَبَا حَنِيفَةَ مِنْ تَلَامِذَتِهِ وَكَذَلِكَ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ...»؛ و جعفر بن محمد؛ کسی است که علم و فقهش دنیا را فرا گرفته و گفته می‌شود که ابوحنیفه و سفیان ثوری از شاگردان او بوده‌اند...» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۵/۲۶۴).

رشته‌های متنوع علمی و سبک‌های آموزشی گوناگونی که ایشان پایه‌گذاری کردند، اکنون نیز مورد استقبال دانش‌پژوهان است. همچنین جنبش علمی که امام در اسلام به وجود آوردند را می‌توان مهمترین عامل پاسداشت علم و فرهنگ اسلامی شمرد که از این حرکت علمی، مذاهب غیر شیعی نیز بهره‌مند شدند.

حلقه‌های درس عمومی

مسجدالنبی در مدینه از زمان بنیانگذاری‌اش محل تدریس و بحث علمی بود. البته آموزش و تعلیم حتی در زمان پیامبر ﷺ منحصر و محدود به این مسجد نبود و مساجد کوچکتر نیز فعالیت آموزشی داشتند (غنیمه، ۱۳۷۲، ۶۲). در این مساجد آموزش به صورت عمومی صورت می‌پذیرفت و شاگردان به حلقه‌های درسی که در مساجد برپا می‌شد می‌پیوستند. معمولاً استاد، مجلس درس خود را پای یکی از ستون‌ها قرار می‌داد و اندوخته‌های علمی‌اش را به شاگردان املا می‌کرد (غنیمه، ۱۳۷۲، ۲۳۳-۲۳۱). این روش که بنیانگذار آن در تاریخ اسلام پیامبر اکرم ﷺ بود، در قرن اول و دوم هجری به حیات خود ادامه داد.

حلقه‌های درس امام صادق علیه السلام نیز در مسجد پیامبر ﷺ تشکیل می‌شد و استفاده از آن برای همه، اعم از شیعه و سنی آزاد بود. علاوه بر این جلسه درس خصوصی هم در منزل آن حضرت برگزار می‌شد که فقط اشخاص نخبه و برجسته در آن شرکت می‌کردند (اسد حیدر، ۱۴۳۷ق، ۱۰۳).

دانش‌پژوهان بسیاری با مراتب علمی متفاوت و حتی دانشمندان مذاهب مختلف اسلامی در حلقه‌های درس عمومی امام شرکت می‌کردند. در این حلقات به طور معمول مطالب قابل فهم‌تر و متناسب با گنجایش فکری افراد بیان می‌شد. شرکت‌کنندگان در جلسات عمومی امام صادق علیه السلام فراوان بودند که علوم و نصایح امام را در میان مردم سرزمین‌های مختلف اسلامی منتشر می‌کردند.



شیخ مفید در کتاب "ارشاد" می‌نویسد: «نَقَلَ النَّاسُ عَنْهُ مِنَ الْعُلُومِ مَا سَارَتْ بِهِ الرِّكْبَانُ. وَانْتَشَرَ ذِكْرُهُ فِي الْبِلْدَانِ... فَانَّ اصْحَابَ الْحَدِيثِ نَقَلُوا أَسْمَاءَ الرُّوَاةِ عَنْهُ مِنَ التَّقَاتِ عَلَى اخْتِلَافِهِمْ فِي الْآرَاءِ وَالْمَقَالَاتِ، فَكَانُوا أَرْبَعَةَ آلَافِ رَجُلٍ؛» مردم از آن حضرت دانش‌ها را نقل کردند تا جایی که به این منظور کاروان‌ها به راه افتاد و نام آن حضرت در بلاد، منتشر گردید... اصحاب حدیث، اسامی راویان ثقه را که با وجود اختلافشان در رأی و اندیشه، از آن حضرت روایت کرده، یادآور شده‌اند که شمار آنان چهارهزار نفر است (مفید، ۱۳۸۹، ۵۴۵).

آنچه در این خصوص گفتنی است آن است که روش رایج در این گردهمایی‌ها سماع بود (شلبی، ۱۳۶۱، ۲۳۷). این روش گرچه آگاهی عمومی را بالا می‌برد اما به ندرت می‌توانست دانشمندان و متخصصان را تربیت کند و به جامعه عرضه نماید. از این رو حلقه‌های درس تخصصی‌تر در خانه‌های دانشمندان به صورت مدرسه تخصصی شکل گرفت که در آن استاد به آموزش خصوصی شاگردانش می‌پرداخت. این حلقه‌ها در دوران ائمه علیهم‌السلام به ویژه دوره امام صادق علیه‌السلام گسترش بسیار یافتند (شلبی، ۱۳۶۱، ۶۶-۶۳).

خانه امام صادق علیه‌السلام: کانون انتقال علم

امام صادق علیه‌السلام اهتمام زیادی به گسترش دانش و پرورش نیروهای عالم و برجسته داشتند. جلسات درس عمومی ایشان در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تشکیل می‌شد و ورود به آن برای همه، اعم از شیعه و سنی آزاد بود. علاوه بر این جلسه درس خصوصی هم در خانه آن حضرت برگزار می‌شد و به نظر می‌رسد بیشتر اشخاص برجسته شیعه در آن شرکت می‌کردند (اسدحیدر، ۱۴۳۷ق، ۱۰۳).

در این راستا از آنجا که یکی از مؤلفه‌های مهم اجتماع علمی، رابطه اجتماعی قوی میان دو دسته اصلی کنشگران اجتماع علمی یعنی اساتید و دانشجویان است

(حائری زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ۲۹) در خلال همین جلسات، استاد با شناخت استعداد دانشجو مطالبی را متناسب با ظرفیتش به او افافه می‌کرد. به همین جهت گاه این محافل علمی به صورت دو نفره تشکیل می‌شد، همچنان‌که امام صادق علیه السلام با مشاهده دغدغه‌های مفضل، درس خداشناسی و توحید را به صورت خصوصی و مباحثه دو نفره به او آموزش دادند.

مفضل چهار روز پیاپی به محضر امام رسید. امام بیاناتی پیرامون آفرینش انسان از آغاز خلقت و نیروهای ظاهری و باطنی و صفات فطری و آفرینش انواع حیوانات و نیز آفرینش آسمان و زمین و... و فلسفه آفات و مباحث دیگر ایراد فرمود و مفضل نوشت (رک. مفضل بن عمر، بی‌تا، ۴۳).

علاوه بر این روشن است که تعامل مستقیم استاد و دانش‌پژوه، دانشجویان را در کسب نتایج و برون‌دادهای بهتر سوق می‌دهد و بر یادگیری و رشد آنان تأثیر فراوانی دارد (رستمی‌نسب، ۱۳۹۸، ۳). این شیوه که یکی از روش‌های علمی امام صادق علیه السلام جهت رشد و تقویت بیشتر دانشجویان بود، تعمیق اندیشه را در آن‌ها فراهم می‌ساخت. در واقع امام چنان با آنان عمیق کار می‌کرد که دیگر سؤالی برایشان باقی نمی‌ماند. روزی هشام از امام سؤالاتی درباره اسماء الهی و مشتقات آن پرسید. حضرت پاسخ داد و بعد فرمود: «افهمت یا هشام فهما تدفع به اعدائنا الحدين مع الله قال هشام نعم قال ابو عبدالله علیه السلام نفعك الله عزوجل به ثبتك؟ (قمی، ۱۴۱۴ق، ۶۸۷/۸) آیا فهمیدی ای هشام آنچنان فهمیدنی که دشمنان ما منکرین پروردگار را محکوم کنی؟ عرض کرد: آری. آنگاه فرمود: خداوند به تو منفعت رساند و تو را ثابت قدم بدارد. هشام می‌گوید: به خدا سوگند بعد از آن هیچ کس مرا در مسئله توحید شکست نداد همیشه بر حریف غالب بودم.

به نظر می‌رسد تشکیل جلسات خصوصی از این جهت بود که همه افراد، ظرفیت و توانایی درک مسائل اعتقادی و یا نکته‌های ظریف پزشکی را نداشتند و لازم بود این مباحث در جلسات خصوصی مطرح شود. علاوه بر این سؤالات و حوزه کاری هر یک از دانش‌پژوهان متفاوت بود و هر یک باید به طور جدا و تخصصی آموزش‌های لازم را یاد می‌گرفت.

روش‌های آموزشی و تربیتی امام صادق علیه السلام در پرورش نخبگان

دانش‌پژوهان بی‌شماری در محضر امام صادق علیه السلام آموزش دیدند اما تنها تعدادی از آن‌ها سرآمد جامعه علمی شیعی شدند. منابع مختلف، گزارش‌هایی درباره روش‌های تعلیم و پرورش نخبگان و افراد مستعد در سیره امام ذکر کرده‌اند که در ادامه به تحلیل برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. روش آینده‌پژوهانه در تربیت نخبگان

«آینده‌پژوهی»، علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فرداست. از ویژگی‌های مهم این دانش، بهره‌گیری از ابزارهای علمی به منظور ترسیم چشم‌انداز متناسب با ارزش‌های حاکم بر جامعه و برنامه‌ریزی برای نیل به جامعه مطلوب است. از این رو، جامعه‌شناسان آینده‌پژوهی را ابزار هدایت اجتماعی دانسته‌اند (فاضل قانع، ۱۳۸۸، ۴۵).

آموزه‌های تربیتی امام صادق علیه السلام، بر اساس هدف زندگی و آینده‌نگری و رسیدن به آینده مطلوب است. به همین جهت می‌فرمایند: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا»؛ (کافی، ۱۴۰۷، ۴۳/۱) کسی که بدون بصیرت و دانایی نسبت به هدف، دست به کاری می‌زند، مانند رهروی است که بیراهه می‌رود و هر قدر بر سرعت خود بیفزاید به همان نسبت از مسیر اصلی دور می‌شود.

توجه به آینده‌نگری از این روایت قابل استنباط است؛ برای مثال هنگامی که امام بر تدبیر و بصیرت تأکید می‌کند و مردم را به داشتن آن فرا می‌خواند، روشن است که لازمه چنین بصیرتی پیش‌بینی است و پیش‌بینی نیز از لوازم آینده‌پژوهی به شمار می‌رود (فاضل قانع، ۱۳۸۸، ۶۲).

امام صادق علیه السلام در میان خیل عظیم شاگردان خود که آنان را بالغ بر ۴۰۰۰ تن دانسته‌اند، تنها به تربیت تعداد محدودی از دانشجویان مستعد اهتمام داشتند و به گونه‌ای آینده‌نگرانه، آن‌ها را مملو از علوم می‌نمودند. ایشان با ترسیم چشم‌اندازی از آینده، اهمیت نوشتن و کتابت را خطاب به مفضل ابن عمرو اینگونه بیان می‌کنند: «كُتِبَ وَبُثَّ عِلْمُكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَوَرَّثَ كُتُبَكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجَ مَا يَأْنِسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ»؛ بنویس و دانش خود را در میان برادرانت منتشر کن و چون [خواستی] بمیری، آن را به پسرانت میراث ده؛ زیرا زمانه‌ای پر آشوب بر مردم می‌رسد که در آن زمان جز با کتاب‌هایشان همدم نشوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵۲/۱). بدون شک مفضل برای درک چنین پیش‌بینی‌ای ظرفیت لازم را داشته و از آن طرف امام صادق علیه السلام برای پرورش علمی او و نخبگانی همچون او از چنین شیوه‌هایی استفاده می‌کرده‌اند تا افق واضح‌تری از آینده برایشان ترسیم کنند. بدون شک چنین رویکردی منجر به ظهور کتابخانه‌ها و دانشگاه‌های بزرگ اسلامی توسط دانشمندان مکتب امام صادق علیه السلام شد. با گسترش کتابت در این دوره، نوشته‌هایی مانند «معانی القرآن و القرائات» از ابان بن تغلب (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۱) و «کتاب تفسیر» از ابو حمزه ثمالی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۱۴) برای آیندگان باقی ماند.

پیشتر گفتیم که در عصر امام صادق علیه السلام گروه‌ها و فرقه‌های فکری و عقیدتی بسیاری در جامعه گسترش یافته بود. از این رو امام همچون دیده‌بانی تیزبین تمام چالش‌های اجتماعی عصر خود و آینده را رصد می‌کردند و شاگردان نخبه‌شان را

مطابق با نیازهای حال و آینده پرورش می‌دادند و شخصیت‌های علمی را در رشته‌هایی مانند کلام و خداشناسی آموزش می‌دادند تا پاسخگوی شبهات مردم باشند. همچنین با اعزام دانشمندان زبده به سایر مناطق، مانع گسترش افکار انحرافی می‌شدند. در واقع ایشان با پیش‌بینی چالش‌های آینده شیعیان در دوران منتهی به غیبت و پس از آن، افراد برجسته علمی را برای فعالیت در سایر مناطق تربیت می‌کردند. گزارش شیخ طوسی در کتاب "الغیبة" وجود تعدادی انگشت‌شمار، وکیل و نماینده برای امام صادق (ع) را اثبات می‌کند (طوسی، ۱۳۸۶، ۶۰۴) زیرا این در حقیقت نقطه شروعی برای فعالیت نمایندگان ائمه (ع) بود.

شواهد و مستندات تاریخی، حکایت از آن دارند که از دوران امامت امام صادق (ع) به این سو، برخی اصحاب و یاران امامان شیعه (ع) به عنوان نمایندگان آنان، در مناطق شیعه‌نشین وظایف خاصی را انجام می‌دادند. این اقدام امام نقش بسزایی در دوره‌های بعد ایفا کرد؛ نقشی که در عصر غیبت صغری، به اوج اهمیت و گسترش رسید (جباری، ۱۳۸۲، ۳).

ثمره آینده‌نگری امام صادق (ع) در زمینه پرورش دانشمندان شیعه در دوره‌های بعد با به وجود آمدن شبکه عظیم و منسجم نمایندگان سایر ائمه (ع) ظاهر شد. امام صادق (ع) علاوه بر توصیه به تدبیر و عاقبت‌اندیشی، در تربیت نخبگان رویکردی آینده‌پژوهانه داشتند و با پیش‌بینی و رصد مسائل مختلف حال و آینده، تدابیری جهت پیشگیری و حل آن فراهم می‌ساختند. یکی از مهمترین تدابیر ایشان، آماده‌سازی و تجهیز نخبگان برای رفع نیازهای علمی جامعه بوده است. امام چشم‌انداز آینده را برای نخبگان ترسیم و با توجه به آن روند تعلیم و تربیت را مدیریت می‌کردند.

۲. روش زیبایی‌شناسانه

احساس زیبایی‌شناختی همان ادراک نظم و کمال طبیعی جهان است که با توجه به مفهوم آن همراه کمال بوده و انسان تحت تأثیر هماهنگی طبیعت جهان و دنیای درون انسان، از آن همه کمال و جمال و تجلیات گوناگون آن در طبیعت احساس خوشی نموده و به سوی آن جذب می‌شود و به شناختی درونی دست می‌یابد؛ شناختی که با ذوق و بارقه نبوغ همراه است و جایگاهش قلب است. در تربیت زیبایی‌شناسی طراحی روش به صورتی است که از این رویداد و هشپاری روانی به نحو احسن استفاده کند (نوروزی و متقی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸).

امام صادق علیه السلام تفکر و اندیشه را بهترین راه برای رساندن مردم به درک عمیق از نظم و کمال طبیعی جهان می‌داند و می‌فرماید: «فِكْرَةُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ»؛ یک ساعت اندیشیدن در خیر و صلاح از هزار سال عبادت بهتر است.

ایشان با استفاده از روش زیبایی‌شناسی تجربه‌ای درونی را برای مفضل فراهم می‌سازد و او را از اسرار آفرینش جهان و انسان آگاه می‌سازد. تجربه درونی نیز که اساس تربیت زیبایی‌شناسی است، به عواطف و هیجاناتی اشاره می‌کند که خداوند محور اصلی آن‌هاست. غلیان و جوشش این عواطف در مواجهه با زیبایی‌ها و سیر و سلوک، چنانچه منشأ الهی داشته باشد، دلالت بر نوعی زیبایی‌شناسی است (شریف زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۴). در این راستا امام به مفضل فرمود: «برای تو از حکمت آفریدگار در آفرینش جهان و حیوانات و درندگان و حشرات و مرغان و هر جاننداری از انسان و چهارپایان و گیاهان و درختان بیان خواهم کرد. چنان که عبرت‌گیرندگان از آن عبرت گیرند و بر معرفت مؤمنان افزوده شود و ملحدان و کافران در آن حیران بمانند. بامداد فردا نزد ما بیا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۸/۳).





یکی دیگر از مناظرات فاخر امام صادق علیه السلام، مناظره ایشان با ابوشاگردیصانی در حضور هشام بن حکم است. امام ضمن آموزش نحوه اثبات خداوند به هشام، با روشی زیبایی شناسانه به ابوشاگردیصانی فرمودند: «ای دیصانی! این تخم مرغ قلعه‌ای است در بسته، پوست کلفتی دارد و زیر آن، پوست بسیار نازکی است و زیر آن پوست نازک، طلایی است روان و نقره‌ای آب شده؛ نه طلای روان به نقره آب شده می‌آمیزد و نه نقره آب شده به طلای روان، این تخم مرغ به حال خود است نه تعمیرکاری از آن بیرون می‌آید تا از سالم بودنش گزارش دهد و نه خرابکاری به درون آن رفته و تباهی‌اش را اعلام می‌دارد و نیز نمی‌توان دانست برای تولید نر آفریده شده است یا ماده. با این حال بعدها می‌شکافد و مانند طاووس‌های زیبا و رنگارنگ (از مثل آن) بیرون می‌آید. آیا تو برای آن مدبری درک می‌کنی؟» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸۰/۱).

امام صادق علیه السلام از روش زیبایی‌شناسی در بسیاری از موارد برای پی بردن به خالق هستی استفاده می‌کردند و به ویژه نخبگانی مانند مفضل و هشام را با این روش آشنا می‌نمودند تا در مناظرات و پاسخگویی‌هایشان استفاده کنند.

۳. جلسات مناظره

یکی از سبک‌های مهم امام صادق علیه السلام در پرورش نخبگان، استفاده از روش مناظره بود. مرحوم شیخ طوسی در تفسیر "تبیان" در توضیح جدال احسن به عنوان بهترین سبک در مناظره این گونه می‌نویسد: «جدال احسن روشی همراه با نرمی و وقار و سکینه و همراه با نصرت حق با حجت است؛ همانگونه که خداوند به حضرت موسی علیه السلام دستور می‌دهد که با فرعون به نرمی سخن بگوید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّیْنَا لَعَلَّهُ یَتَذَكَّرُ أَوْ یَخْشَى» (طه: ۴۴)؛ و با او سخنی نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد».

یکی از روش‌هایی که در زندگی امام صادق علیه السلام جلب توجه می‌کند، گفت‌وگوها و مناظره‌های ایشان در کنار تدریس و تربیت شاگردان است. در واقع مناظرات و گفت‌وگوهای علمی امام صادق علیه السلام یکی از برترین و مهمترین وسایل تبلیغی و آموزشی ایشان به شمار می‌رود (حسنوند و دیگران، ۱۴۰۰، ۹۵). اما فن مناظره ایشان با بقیه متفاوت بود و منظورشان خلع سلاح طرف مقابل نبود بلکه فهم عمیق بود. ایشان همواره در مناظره پیشگام و سرآمد بودند و در راستای رشد دانش و آموزش به شاگردان، مناظرات فراوانی با افراد مختلف داشتند که از جمله می‌توان مناظره ایشان با زندیقان (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱/۱۸۶)، مناظره با طیب هندی (ابن بابویه، بی‌تا، ۲/۲۷۷) و مناظره با ابوحنیفه (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ۳/۲۶۰) را نام برد.

البته می‌دانیم که ارتباط با مردم و ارائه شفاهی اندوخته‌ها، توانایی یک دانشمند را برای در میان گذاشتن ایده‌ها و یافته‌هایش افزایش می‌دهد (فرازمند، ۱۳۹۶، ۴). از این رو امام صادق علیه السلام معتقد بودند نخبگان جامعه باید در کنار مردم زندگی کنند و به راحتی در دسترس عموم مردم باشند. ایشان به دانشمندان و یاران توانمند خویش دستور می‌دادند باب گفت‌وگو را با مردم باز کنند تا علاوه بر اطلاع از مشکلات علمی، عقیدتی و مسائل اجتماعی، در نشر فرهنگ صحیح نیز نقش آفرینی نمایند. شاید ایشان می‌خواستند که نخبگان فقط سرگرم جلسات علمی نباشند بلکه مسئولیت هدایت جامعه را نیز بر عهده گیرند.

مرحوم کشی از *ابو خالد کابلی* نقل کرده که: «من در مسجد مدینه، مؤمن الطاق را دیدم که در روضه منوره نشسته بود و مردم دور او را گرفته بودند و او پیوسته جواب مردم را می‌داد و از آن‌ها سؤال می‌کرد. به او نزدیک شدم و گفتم: امام صادق علیه السلام ما را از بحث و گفت‌وگو نهی کرده است. گفت: امام صادق علیه السلام خودش فرمود این را به من بگویی؟ گفتم: نه. ولی به من دستور داد تا با هیچ کسی بحث

نکنم. مؤمن الطاق گفت: پس برو و دستور امام علیه السلام را اطاعت کن. ابو خالد کابلی می گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و ماجرای برخوردیم با مؤمن الطاق را به امام گفتم و اینکه او به من گفت که برو و آنچه که امام دستور داده اطاعت کن. امام صادق علیه السلام لبخندی زدند و فرمودند: ای خالد! همانا مؤمن الطاق مباحثه می کند، پرواز می کند و می کوبد. می زند و خراب می کند. در حالی که تو اگر با این ها بحث کنی پرهایت را می چینند و نمی توانی پرواز کنی» (کشی، بی تا، ۱۸۶؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ۵/ ۳۵۲).

این روایت به خوبی روشن می سازد که بحث ها و مناظراتی که شاگردان امام صادق علیه السلام انجام می دادند از روی برنامه ریزی و با مدیریت دقیق امام انجام می شده است. بنابراین گرچه امام صادق علیه السلام زمینه مناظره شاگردان خبره خود با افراد مختلف را فراهم می کردند اما تا آنان به رشد علمی کافی نمی رسیدند، اجازه مناظره با مخالفین را نداشتند. زیرا مناظره کننده باید عالمی زبده بوده و دارای ملکه ای باشد که قدرت برگرداندن فروع بر اصول را داشته و با قواعد و ادله احکام نیز آشنا باشد. در عین حال امام شاگردانش را برای مناظره تربیت می کرد و آن ها را در براهین و استدلال ها و شیوه های دفاع یاری می رساند (دیالمه، ۱۴۳۱ق، ۱۲۸).

۴. استفاده از شیوه نگاشتن نامه

تأثیر گذاری امامان شیعه علیهم السلام در رشد و بالندگی فرهنگ و تمدن اسلامی در حیات نزدیک به دویست و پنجاه ساله آن، بر کسی پوشیده نیست. یکی از این مصداق ها، نوشته ها یا مکتوب هایی است که امامان معصوم علیهم السلام در دوران زندگی پربار خویش به عنوان میراث بر جای گذاشته اند. این نوشته ها و مکتوبات یا مکاتبات، به ویژه از امام صادق علیه السلام، فراوان برجای مانده است (مهریزی، ۱۳۸۶، ۱) طوری که روش نامه نگاری یکی از شیوه های خاص آموزشی و تربیتی امام صادق علیه السلام به شمار می رود. ایشان با

این روش افرادی را که امکان پرسش حضوری نداشتند از نظر علمی و معرفتی مورد توجه قرار می دادند.

بنابراین باید گفت نوشتن نامه یکی از شیوه های تعلیم امام به شمار می رود. در این روش دانش پژوهان سؤالات خود را در نامه از استاد می پرسند و استاد نیز به صورت مکتوب پاسخشان را می دهد. نامه های فراوانی از امام صادق (ع) در منابع موجود است که در آن به موعظه شاگردانشان پرداخته و یا پاسخ های سؤالات شیعیان سرزمین های مختلف را نوشته اند (دیالمه، ۱۴۳۱ق، ۱۲۵).

همچنین گاه نیز اخلاق و حکمت در قالب نامه به شاگردان و شیعیان منتقل می شد. همچنان که امام صادق (ع) در نامه ای به اصحاب خود که به آنان دستور داد آن را همواره بخوانند و در آن دقت کنند و مضامینش را به کار بندند، نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَمَّا بَعْدُ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ الْعَافِيَةَ، وَ عَلَيْكُمْ بِالذَّعَةِ. وَ الْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ، وَ عَلَيْكُمْ بِالْحَيَاءِ وَ التَّنَزُّهِ عَمَّا تَنَزَّهَ عَنْهُ الصَّالِحُونَ قَبْلَكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۸ق، ۳/۸)؛ به نام خداوند بخشنده مهربان. اما بعد، از پروردگارتان عافیت و سلامت بطلبید و سنگین و با وقار و آرام و با شرم و حیا باشید و از آنچه خوبان پیش از شما دوری می کردند، دوری کنید.

۵. روش املا

روش املا از دیگر روش های دانش پژوهان آن دوره بوده است. این شیوه را یکی از بالاترین مراتب تعلیمی می دانند که در آن استاد هر آنچه را که می خواهد تعلیم دهد برای شاگردان املا می کند و آن ها نیز همه مطالب را یادداشت برداری می کردند و معمولاً بعد از کلاس به شرح و تفسیر مفردات آن می پرداختند و چنانچه امالی آن ها بدون شرح و توضیح ضبط می شد به آن اصل می گفتند (دیالمه، ۱۴۳۱ق، ۳۸۵).



توصیه امام صادق (ع) به شاگردان در مکتوب کردن، یکی از شیوه‌های مانایی علوم و در امان ماندن آن از گزند فراموشی و نابودی بوده است. با مکتوب کردن علوم، شخص از دانش و یافته‌های علمی‌اش بر اثر فراموشی و مانند آن محروم نمی‌شود و نسل‌های بعد از دانش مکتوب بهره‌مند می‌شوند (جعفریان، ۱۳۸۱، ۳۸۵).

شمار فراوانی از دانش‌پژوهان آن دوران به نگارش کتاب پرداختند و بدین وسیله شنیده‌های خود را ثبت و ضبط کردند. در میان ایشان نیز بسیاری، کتاب یا کتاب‌های خود را بر امام صادق (ع) عرضه می‌داشتند. مانند عبیدالله بن علی حلبی که شیخ طوسی درباره‌اش نوشته است: «له کتاب مصنف معمول علیه وقيل انه عرض على الصادق (ع) فلما رآه استحسنة وقال ليس لهؤلاء يعني المخالفين مثله» (طوسی، بی‌تا، ۳۰۵)؛ او کتابی نگاشت که به آن عمل می‌شود و گویند آن را بر امام صادق (ع) عرضه داشت و حضرت با دیدن کتاب آن را نیکو شمرد و فرمود: مخالفان شیعه مانند این کتاب ندارند.

با تشویق و ترغیب امام صادق (ع) به نوشتن، در این دوره دانش‌پژوهان به ثبت و ضبط نکاتی که امام املا می‌کرد پرداختند؛ طوری که کتاب‌ها و اصولی از شاگردان و نخبگان پرورش یافته از محضر امام صادق (ع) باقی مانده است.

۶. تخصص‌گرایی و مدیریت استعدادها بر اساس تفاوت‌های فردی

تخصص امتیازی است پر ارزش که دستیابی به آن همراه است با تلاش هدفمند و زمینه‌ساز توسعه و تکامل. معمولاً فرد متخصص در یک مقوله، فردی نخبه است که در پرتو تخصص، به خلق و ابداع و بازآفرینی مبادرت می‌ورزد. دین، گستره وسیعی دارد و بنابراین، تخصص در دین، به معنای مهارت، دانایی و اطلاع از این مجموعه کرانه ناپیدا و پهناور است (نوایی، ۱۳۹۰، ۴).

یکی از شیوه‌های بدیع سبک آموزشی امام صادق (ع) در آن عصر، گروه‌بندی شاگردان بود. ایشان بر اساس دسته‌بندی موضوعات علمی، شاگردان را هم دسته‌بندی می‌کردند که بدین صورت نوعی پرورش تخصص برای ایشان به شمار می‌رفت (آل-رضا، ۱۳۹۳، ۶۷). ایشان بدین ترتیب استعدادها و ویژه‌انسانی را با به‌کارگیری آن در یک فرایند مناسب و در زمان مناسب مدیریت می‌کردند.

همچنین از آنجا که توسعه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مرهون وجود ظرفیت‌های انسانی توانمند است (ترک‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸، ۲۶) امام صادق (ع) با مدیریت استعدادها و افراد فرزانه، تخصص‌گرایی را ترویج نموده و نوابغی شایسته در رشته‌های مختلف علمی پرورش داد. ایشان هنگام دعوت فردی به مناظره در امور اعتقادی به یکی از همراهانشان می‌فرمایند: «اُخْرِجْ إِلَى الْبَابِ فَمَنْ تَرَى مِنَ الْمُتَكَلِّمِينَ فَأَدْخُلْهُ قَالَ...» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲/۳۷۶)؛ برو بیرون و هر کس از متکلمین را دیدی بیاور.

یکی از لوازم پرورش نیرو و تربیت شاگرد، شناخت روحیات و استعدادها و شخص است تا معلم به خوبی بتواند توانایی‌های بالقوه او را به فعل رساند. امام صادق (ع) نیز از این مسئله غافل نبوده و هر یک از شاگردان خود را در رشته‌ای که با ذوق و قریحه‌شان سازگار بود، تشویق و تعلیم می‌نمودند طوری که هر یک از آن‌ها در یک یا دو رشته از علوم مانند حدیث، کلام و امثال این‌ها تخصص پیدا می‌کردند (پیشوایی، ۱۳۸۹، ۳۶۰) مانند جابر بن حیان که یکی از نوابغ بی‌نظیر تاریخ است و در علوم و فنون خصوصاً در علم شیمی تألیفات زیادی دارد و بسیاری از منابع رجالی و کتاب‌شناختی، او را دانش‌آموخته مکتب امام صادق (ع) می‌دانند (ابن ندیم، بی‌تا، ۱/۱۱).



معاذ بن مسلم هراء نیز یکی از دیگر شاگردان برجسته امام صادق علیه السلام و سرآمد در علم نحو بوده است. شیخ طوسی در "التهذیب" درباره او چنین عبارتی را به کار می برد: «کان أبو عبدالله علیه السلام یسمیه النحوی» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶/۲۳۵).؛ امام صادق علیه السلام او را نحوی نامیده بود. روشن است که شناسایی استعداد او در علم نحو و پرورش آن یکی از نتایج تخصص گرایی مدرسه امام صادق علیه السلام است.

در این خصوص چنان که پیشتر گفتیم یکی از مهم ترین ارکان یادگیری، توجه به ویژگی های تربی است و ویژگی های زیستی، ذهنی و عاطفی در تکوین شخصیت و قدرت یادگیری تأثیر فراوانی دارد (افروز، ۱۳۷۲، ۱۵) که می تواند زمینه های یادگیری را افزایش داده و تخصص گرایی را معنا بخشد. امام صادق علیه السلام افرادی را به عنوان متکلم تربیت کرده بودند که فقط حدیث را در مباحث اعتقادی نقل می کردند. گروهی را نیز تنها در حوزه تفسیر قرآن آموزش داده بودند و عده ای را در علوم فقه تربیت کرده بودند.

روزی مردی شامی با قصد مناظره خدمت امام صادق علیه السلام می آید. حضرت می فرمایند: در چه موضوعی می خواهی مناظره کنی؟

مرد می گوید: در رابطه با ادبیات عرب.

حضرت به حمران بن اعین می فرمایند: بلند شو و با او مناظره کن.

مرد شامی اعتراض می کند که می خواهد با ایشان مناظره کند نه با سایرین.

حضرت می فرمایند: اگر بر حمران غلبه کردی، بر من غلبه کرده ای.

حمران در همان اوایل بحث، مرد شامی را مغلوب می کند.

مرد شامی می گوید: می خواهم در لغت عربی مناظره کنم.

حضرت به ابان بن تغلب می فرمایند: بلند شو و با او مناظره کن.

ابان با او مناظره می کند و مغلوبش می سازد.

مرد شامی می گوید: می خواهم در فقه مناظره کنم.
 حضرت به زراره می فرمایند: بلند شو و با او مناظره کن.
 زراره با او مناظره می کند و مغلوبش می کند.
 مرد شامی می گوید: می خواهم در کلام و عقاید مناظره کنم.
 حضرت به مؤمن الطاق می فرمایند: بلند شو و با او مناظره کن.
 مؤمن الطاق با او مناظره می کند و مغلوبش می کند (کشی، بی تا، ۵۵۴/۲).

با این توصیف مشخص می شود که در دانشگاه امام صادق علیه السلام نوابغ علمی بسیاری در رشته های مختلف وجود داشتند که همگی در شمار یاران و شاگردان ویژه ایشان بوده اند. آنان با اتصال به علم بیکران ائمه علیهم السلام دانش و توانایی های خود را کامل می نمودند و سپس به میان مردم می رفتند تا دانایی را در میان مردم منتشر کنند.

۷. نقد ضعف ها و سرمایه گذاری روی نقاط قوت

نقد و ارزیابی همواره یکی از لوازم پیشرفت افراد است. نخبگان و اندیشمندان هم به دلیل موقعیت حساس خود از نقد بی نیاز نیستند. به بیان دیگر نخبگان نیز باید مورد نقد قرار گیرند تا علاوه بر کنترل، نقاط ضعف و قوتشان نیز به آنان گوشزد شود. بنابراین نقد فرایند اصلاح اطلاعات است. از همین رو تلاش وسیعی در محیط های علمی برای سنجش و پیرایش آثار و متون علمی صورت می گیرد. در صورتی که اطلاعات از طریق فعالیت ارزشیابی اصلاح نشود، بیم آن وجود دارد که در پاره های اطلاعاتی دیگری نفوذ کند و دامنه اطلاعات نادرست یا کم درست را گسترش دهد (درودی، ۱۳۹۳، ۲۲۲).

امام صادق علیه السلام نیز به صورت مستقیم نکات لازم را به شاگردان خویش گوشزد می نمودند. این عمل نشان دهنده توجه و اهمیت ایشان به سلوک دانشمندان با مردم است که موجب افزایش دقت نخبگان در برخورد با جامعه است.

علاوه بر این دانشمندان توانمند نیز ضعف‌هایی دارند که باید آن‌ها را به قوت مبدل کنند و اگر نقاط قوتی دارند باید بر آن‌ها تکیه زنند تا بهتر مورد استفاده قرار گیرد. امام صادق (علیه السلام) در ضمن جلسات درسی و یا در ملاقات‌ها و نشست‌های علمی که با شاگردان خود داشتند، هرگاه به نقاط ضعف یا قوت آنان برخورد می‌کردند هرگز از یادآوری آن خودداری نمی‌نمودند (مروجی طبسی، ۱۴۲۲ق، ۱۰). جالب آنجاست که ایشان با وجود تعداد زیاد شاگردان زبده و توانمند، نظارت و کنترلی دقیق بر رفتار و گفتار آنان داشتند و در فرصت‌های مناسب تذکرات سازنده‌ای را به آنان عرضه می‌نمودند.

در همین راستا باید دانست در مناظرهٔ مرد شامی با یاران امام که پیش از این آمد، امام پس از پایان یافتن مناظره، نکات ارزشمندی به یکایک آنان تذکر دادند. ایشان رو به حمران کرده و فرمودند: «تَجَرَى الْكَلَامَ عَلَى الْأَثَرِ فَتَصِيبُ وَ التَّفَتَ إِلَى هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ فَقَالَ تَرِيدُ الْأَثَرَ وَ لَا تَعْرِفُهُ ثُمَّ التَّفَتَ إِلَى الْأَحْوَلِ فَقَالَ قِيَّاسُ رَوَّاعٍ تَكْسِرُ بَاطِلًا بِبَاطِلٍ إِلَّا أَنْ بَاطِلُكَ أَظْهَرَ ثُمَّ التَّفَتَ إِلَى قَيْسِ الْمَاصِرِ فَقَالَ تَتَكَلَّمُ وَ أَقْرَبُ مَا تَكُونُ مِنَ الْخَبَرِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَبْعَدُ مَا بَب تَكُونُ مِنْهُ تَمْزُجُ الْحَقَّ مَعَ الْبَاطِلِ وَ قَلِيلُ الْحَقِّ يَكْفِي عَنْ كَثِيرِ الْبَاطِلِ أَنْتَ وَ الْأَحْوَلُ فَفَازَانِ حَازِقَانِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/۱۷۳)؛ تو سخنت را دنبال حدیث می‌بری (مربوط سخن می‌گویی) و به حق می‌رسی و به هشام - بن سالم متوجه شده و فرمودند: در پی حدیث می‌گردد ولی تشخیص نمی‌دهی (می‌خواهی مربوط سخن بگویی ولی نمی‌توانی) و متوجه احوال شده و فرمودند: بسیار قیاس می‌کنی از موضوع خارج می‌شوی مطلب باطل را به باطلی رد می‌کنی و باطل تو روشن‌تر است. سپس متوجه قیس ماصر شده و فرمودند: تو چنان سخن می‌گویی که هر چه خواهی به حدیث پیغمبر ﷺ باشد دورتر شود حق را باطل

می آمیزی با آنکه حق اندک از باطل بسیار بی نیاز می کند. تو و احوال از شاخه ای به شاخه ای می پرید و با مهارتید.

همچنین نقل شده که امام در جمع شاگردان ممتاز خود به ارزیابی و بررسی مناظرات موفق نیز می پرداخت و ماجرای نحوه برخورد با شبهه پردازان را در حضور جمع جویا می شد تا سایرین به صورت غیرمستقیم نحوه جدال احسن را بیاموزند. در روایتی این چنین آمده است: «كَانَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، مِنْهُمْ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ النُّعْمَانِ وَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ وَ الطَّيَّارُ، وَ جَمَاعَةٌ فِيهِمْ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ وَ هُوَ شَابٌّ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «يَا هِشَامُ، أَلَا تُخْبِرُنِي كَيْفَ صَنَعْتَ بِعَمْرِو بْنِ عُبَيْدٍ؟ وَ كَيْفَ سَأَلْتَهُ؟» فَقَالَ هِشَامٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي أُجِلُّكَ وَ أُسْتَحْيِيكَ، وَ لَا يَعْمَلُ لِسَانِي بَيْنَ يَدَيْكَ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ، فَافْعَلُوا...» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۵۹۰). جمعی از اصحاب از جمله حرمان و ابن نعمان و ابن سالم و طیار خدمت امام صادق علیه السلام بودند. جمع دیگری هم در اطراف هشام بن حکم که تازه جوانی بود حضور داشتند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ای هشام! گزارش نمی دهی که (در مباحثه) با عمرو بن عبید چه کردی و چگونه از او سؤال نمودی؟
عرض کرد: جلالت شما مرا می گیرد و شرم می دارم و زبانم نزد شما به کار نمی افتد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: چون به شما امری نمودم به جای آرید.
چنان که دیدیم امام صادق علیه السلام ارزیابی و نقد نخبگان علمی را به خوبی انجام می دادند.



۸. مواجهه نمودن نخبگان با واقعیات جامعه و نظرات مخالفان

اندیشه‌ها، جریان‌ها و چالش‌های گوناگون همواره فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. چنانچه نخبگان و شخصیت‌های علمی با نحوه برخورد و رویارویی با این واقعیات آشنا نباشند، نمی‌توانند به نیازهای مردم پاسخ دهند. به همین جهت امام صادق (ع) شخصیت‌های برتر علمی را در معرض افکار و پدیده‌های اجتماعی قرار می‌دادند تا مهارت‌های علمی و رفتاری آنان نیز رشد یابد.

در همین راستا روشن است که برای پرورش درست انسان‌ها، پیش از هر چیز باید با مقتضیات زمان آشنا بود و هم‌سو با آن مقتضیات، برنامه‌ریزی کرد. در آن دوران جریان‌های مختلف مانند ملحدها، زندیق‌ها، ماتریالیست‌ها و مادیین به وجود آمده و مکتب خود را تشکیل دادند و آزادانه به نشر عقاید خود پرداختند. امام صادق (ع) در این دوران شیوه نشر علم، بازگویی عقاید صحیح و پرورش شاگردان را برگزید (مطهری، ۱۳۸۴، ۱۸، ۲۹). ایشان در مجامع عمومی شاگردان سرآمد را تشویق به بحث و مناظره با تفکرهای مختلف می‌کرد تا با جریان‌ات سیاسی و عقیدتی روز جامعه آشنا شوند.

امام از امنیت حاکم در ایام حج استفاده مناسب می‌کرد و با اطمینان خاطر چهره‌های علمی را با شخصیت‌ها و فرقه‌های مختلف آشنا می‌کرد. ایشان چند روز قبل از شروع حج در خیمه‌ای در کوه کنار حرم مستقر می‌شد (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲/۳۶۷) و یاران خاص ایشان نیز در کنار ایشان با افراد مختلف مناظره می‌کردند تا با چالش‌ها و جریان‌ات اجتماعی آشنا شوند.

به نظر می‌رسد در موقعیت‌های مختلف در محضر ایشان کرسی‌های آزاداندیشی نیز برپا می‌شد و هر کس از عقیده خود دفاع می‌نمود تا نخبگان حقیقی جامعه مجال شفاف ساختن عقاید افراد را پیدا کنند و مردم از این طریق با نخبگان علمی جامعه

نیز آشنا شوند. همچنین در این روال، افراد نخبه و دانشمند نیز جایگاه حقیقی خود را در میان مردم حقیقت‌جو به دست می‌آوردند. این یکی از برنامه‌های امام صادق (ع) برای آشنایی نخبگان با واقعیات جامعه بوده است. یونس بن یعقوب نقل کرده «روزی نزد امام صادق (ع) بودم که مردی از اهل شام بر آن حضرت وارد شده و گفت: من مردی وارد به کلام و فقه و فرائض می‌باشم. خدمت شما برای مناظره با اصحاب رسیده‌ام. «ثُمَّ قَالَ يَا حُمْرَانُ كَلِّمِ الرَّجُلَ فَكَلَّمَهُ فَظَهَرَ عَلَيْهِ حُمْرَانُ ثُمَّ قَالَ يَا طَاقِي كَلَّمَهُ فَكَلَّمَهُ فَظَهَرَ عَلَيْهِ الْأَحْوَلُ ثُمَّ قَالَ يَا هِشَامَ بْنَ سَالِمٍ كَلَّمَهُ فَتَعَارَفَا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) لَقَيْسِ الْمَاصِرِ كَلَّمَهُ فَكَلَّمَهُ فَأَقْبَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَضْحَكُ مِنْ كَلَامِهِمَا مِمَّا قَدْ أَصَابَ الشَّامِي فَقَالَ لِلشَّامِي كَلِّمْ هَذَا الْغُلَامَ يَعْنِي هِشَامَ بْنَ الْحَكَمِ فَقَالَ نَعَمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/۱۷۳)؛ سپس امام صادق (ع) فرمودند: ای حمران با مرد شامی سخن بگو.

پس او وارد بحث شد و بر شامی غلبه کرد.

سپس فرمودند: ای مؤمن الطاق تو با او سخن بگو.

او هم سخن گفت و غالب شد.

سپس فرمود: ای هشام بن سالم تو هم گفتگو کن.

سپس امام صادق (ع) به قیس ماصر فرمودند: تو با او سخن بگو.

او وارد بحث شد و حضرت از مباحثه آن دو می‌خندید. زیرا مرد شامی گیر افتاده بود.

پس به مرد شامی فرمودند: با این جوان - یعنی هشام بن حکم - صحبت کن.

گفت: حاضرم.

در واقع شناخت جریان‌ات فکری و سیاسی به فرد می‌آموزد که فضای علمی و سیاسی بسیط نیست. به عبارتی از ساده‌انگاری نسبت به فضاهای علمی و اجتماعی جلوگیری می‌کند. به همین جهت امام صادق (ع) شاگردان خود را در معرض افکار

مخالقان و معاندان قرار می‌دادند تا با درک این تفاوت‌ها به مهارت علمی آنان بیفزایند.

۹. تشویق و الگوسازی نخبگان

یکی از بهترین راه‌های انگیزه‌بخشی، تحسین و تشویق است. نخبگان و افراد برجسته جامعه هم به انگیزه نیاز دارند تا در آینده عملکرد بهتری داشته باشند. امام صادق (ع) همواره نخبگان و خواص علمی را مورد تمجید و محبت قرار می‌دادند و در مناسبت‌های مختلف خشنودی خود را به ایشان ابراز می‌کردند.

ایشان در روایتی به مفضل می‌فرمایند: «الی یا مفضل! فوری انی لاحبک و احب من یحبک یا مفضل، لو عرف جمیع اصحابی ما تعرف ما اختلف اثنا» (مفید، ۱۴۰۳ق، ۲۱۶)؛ بیا نزدیک ای مفضل! به خدا سوگند تو را دوست دارم و کسی را که تو را دوست دارد نیز دوست می‌دارم. ای مفضل! اگر اصحاب من همگی به آنچه که تو بدان معرفت یافتی آشنایی پیدا می‌کردند هیچ گاه بین دو نفر اختلافی نمی‌افتاد.

همچنین تشویق یکی از عوامل تکرار عمل نیک و مهر تأییدی است بر افعال و اعمال افراد تا انگیزه‌ها را بالا برده، ملکه ذهنی عمل نیک را فراهم آورد و زمینه تکرار آن را نیز افزایش دهد (خنفر، ۱۳۸۱، ۶۱). در همین راستا امام صادق (ع) به افراد برجسته‌ای مانند حمزه بن طیار اطمینان می‌بخشند که از عملکرد او در علم کلام خشنودند. حمزه بن طیار می‌گوید: «قلت لأبی عبد الله (ع): بلغنی أنك کرهت منا مناظره الناس، و کرهت الخصومه؟ فقال: أما کلام مثلک، فلانکره، من إذا طار أحسن أن یقع، و إن وقع یحسن أن یطیر. فمن کان هکذا لانکره کلامه» (کشی، بی‌تا، ۳۴۹)؛ راوی می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: شنیده‌ام شما دوست ندارید ما گفتگو و مباحثه کنیم و (بر سر مسائل فکری و اعتقادی و سیاسی و مکتبی) درگیر شویم؟

امام فرمودند: در مورد امثال تو چنین نیست که من دوست نداشته باشم. تو و همانند تو که توان آن را دارید تا از پیچ و خم بحث به خوبی درآیید و گفتگو را به نفع جناح به پایان برید. اگر بحث و گفت و گو با مردم این گونه باشد (استادانه و پیروزمند) خوب است. من آن را دوست دارم.

این سخن امام مایه تشویق حمزه بن طیار و همه کسانی است که با تخصص و آمادگی وارد عرصه های علمی می شوند. رعایت چنین نکات دقیق و ظریفی در رابطه با افراد خاص و نخبه بسیار اهمیت دارد.

امام صادق علیه السلام علاوه بر پرورش نخبگان، ثبات قدم آن ها را نیز مورد توجه قرار می دادند و با تشویق های متنوع آن ها را دلگرم می نمودند؛ همچنان که به ابو حمزه ثمالی فرمودند: «انی لاستریحُ اذا رایتک» (قمی، ۱۴۱۴ق، ۲/۴۴۰)؛ (ای اباحمزه) وقتی تو را می بینم احساس آرامش می کنم.

در مجموع لازم است نظام نخبگانی از کارکردهایی مانند تکریم و الگوسازی برخوردار باشد (طالبزاده شوشتری، ۱۳۹۷، ۱۱۷). بدون شک الگوسازی یکی از شیوه های مهم تکریم نخبگان است که سبب رشد جامعه نیز می شود. امام صادق علیه السلام همواره افراد برجسته و نخبه ای را برای شاگردان خود به عنوان الگو معرفی می کردند تا ضمن تکریم نخبگان در جامعه علمی الگوسازی نیز داشته باشند. ایشان در جواب یکی از شیعیان که می پرسد: هنگامی که سؤالی برای ما پیش می آید به چه کسی مراجعه کنیم؟ می فرمایند: «علیک بالأسدی» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۵/۴۰۰)؛ به سراغ اسدی برو. منظور حضرت از اسدی، ابوبصیر بوده است.

علاوه بر این، امام شاگردان برجسته خود را به خوبی و نیکی توصیف می کردند مثلاً درباره درودبن کثیر کوفی که از شاگردان فرزانه شان به شمار می رفت این گونه

فرموده‌اند: «من سرهُ أن ينظرَ إلى رجلٍ من أصحابِ قائمٍ عليه السلام فلينظرَ إلى هذا» (مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ۱/ ۵۱۲)؛ هر کس می‌خواهد به مردی از یاران قائم بنگرد به او نظر اندازد. نهایتاً آن که سیره عملی امام صادق عليه السلام گویای تشویق و تکریم فراوان ایشان از افراد برجسته علمی است. شیوه‌هایی که نوابغ فراوانی را به جامعه شیعی تحویل داد و باعث گسترش دانشگاه جعفری شد.

۱۰. حمایت از نخبگان

حمایت از نخبگان و ایجاد فرصت رشد برای آنان یکی از مهمترین وظایف نهادهای اجتماعی به ویژه نهاد تعلیم و تربیت است. جامعه‌ای می‌تواند به بالندگی و خودکفایی برسد که همواره بکوشد با ایجاد شرایط و امکانات لازم، زمینه پرورش و شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های برتر را آماده کند (خدابخشی هفشجانی، ۱۴۰۲، ۱۱۲).

جایگاه حساس و تحول‌آفرین نخبگان در جامعه، بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها را نیز متوجه این قشر می‌سازد. به همین دلیل حمایت از آنان یک مسئله مهم اجتماعی است.

امام صادق عليه السلام علاوه بر توجه به این نکته، تهدیدات پیش روی نخبگانی مانند زراره را نیز رصد می‌کردند. زیرا جایگاه علمی نخبگان و انتساب آن‌ها به مذهب شیعه منجر به برخی تهدیدها می‌شد. در چنین شرایطی امام با هوشمندی، راه تقیه را در پیش می‌گرفتند تا خطرات احتمالی را از شخصیت‌های علمی دفع کنند.

در منابع حدیثی با وجود روایات صحیح و متواتر در مدح زراره (نوری، ۱۴۰۸، ۵۳/۷)، همچنین روایاتی در شماتت او وجود دارد؛ از جمله: «ما احدثَ أحدٌ فی الاسلام ما احدثَ زراره من البدع علیه لعنةُ الله» (کشی، بی‌تا، ۱/ ۳۵۸)؛ هیچ کس در اسلام به اندازه زراره بدعت ایجاد نکرده است. لعنت خدا بر او باد.

برخی صدور این دست روایات را به دلیل حفظ جان و شناخته نشدن «زراره» و امثال وی به دوستی اهل بیت علیهم السلام می‌دانند. مرحوم خویی نیز پس از دسته‌بندی این روایات و بررسی ضعف سندی آنها، به این نکته توجه نشان داده و می‌نویسد: «آن روایاتی که صدورش ثابت است، باید حمل بر تقیه شود» (خوئی، بی‌تا، ۲۵۳/۸).

به عبارت دیگر امام صادق علیه السلام در این روایات نسبت به لعن زراره قصد جدی و حقیقی نداشته‌اند؛ بلکه قصد آن حضرت از لعن ظاهری این بوده که به مخالفان وی این گونه القا کنند که ارتباط حسنه‌ای میان وی و «زراره» وجود ندارد تا به این شکل جان «زراره» را از قتل و ترور به جرم ارتباط و دوستی با اهل بیت علیهم السلام حفظ نمایند (پیروزفر و موسوی‌نیا، ۱۳۹۴، ۱۲۲).

مؤید این احتمال روایتی است که در آن، امام صادق علیه السلام به «عبدالله» پسر زراره فرمود: «أَقْرَأْ مِنِّي عَلَى وَالِدِكَ السَّلَامَ، وَقُلْ لَهُ إِنِّي إِنَّمَا أُعِيْبُكَ دِفَاعاً مِنِّي عَنْكَ، فَإِنَّ النَّاسَ وَالْعَدُوَّ يَسَارِعُونَ إِلَى كُلِّ مَنْ قَرَّبْنَاهُ وَحَمِدْنَا مَكَانَهُ لِإِدْخَالِ الْأَذَى فِي مَنْ نُحِبُّهُ وَنُقَرِّبُهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۵۷/۱۱)؛ سلام مرا به پدرت برسان و به او بگو من گاهی از تو عیبجویی می‌کنم و این به خاطر محافظت از جان توست؛ چرا که مردم و دشمنان به هر چه ما توجه کرده و از آن تعریف و تمجید کنیم، حساس می‌شوند و کسی را که ما دوست بداریم و از مقربان خود بدانیم مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند. با توجه به این روایت، حفاظت از جان زراره در آن دوران با عیبجویی امام صادق علیه السلام ممکن بوده است.

نکته مهم دیگر توجه امام به آرامش فکری نخبگان بوده است. به همین جهت است که در پیامی به زراره، دلیل عیبجویی‌ها را با او در میان می‌گذارند. در واقع منابع انسانی نخبه و کارآمد در عرصه‌های مختلف ملی، نقش حیاتی دارند. آنها مهمترین سرمایه سازمانی هستند و به همین دلیل، مدیریت مطلوب آنها بسیار مهم تلقی

می‌شود. گام نخستین در تحقق این مهم و مدیریت بهینه منابع انسانی کارآمد، مطالعه و شناسایی نیازها، مشکلات و راهکارهای مؤثر بهره‌مندی از نخبگان است (طالب‌زاده شوشتری و خادمی اشگذری، ۱۳۹۷، ۲۱۶).

یکی دیگر از اقدامات امام صادق علیه السلام استفاده مناسب از امنیت ایام حج برای برگزاری مناظرات و جلسات علمی بوده است. در این زمان که مردم عادی و مخالفان می‌توانستند به راحتی مسائل خود را مطرح کنند، نخبگان و خواص نیز فرصتی برای گفت‌وگوی علمی پیدا می‌کردند. هشام بن حکم می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِمَنْ عَنِ خَمْسِ مِائَةِ حَرْفٍ مِنَ الْكَلَامِ» (طوسی، ۱۴۱۴، ق، ۴۶)؛ از حضرت اباعبدالله علیه السلام در منی راجع به پانصد قسمت علم کلام سؤال کردم.

بدون تردید شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوران به گونه‌ای بوده که تدابیر امام از بسیاری از آسیب‌ها پیشگیری می‌کرده است. بنابراین حمایت از همه شیعیان به ویژه نخبگان با روش‌های هوشمندانه یکی از اقدامات امام صادق علیه السلام بوده است.

نتیجه‌گیری

برپایی حلقه‌های درس عمومی در مساجد از دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در میان مسلمانان رایج بود. اما امام صادق علیه السلام با تشکیل مدرسه خصوصی در خانه خود برای استعدادها برتر، شیوه‌ای جدید را در نظام آموزش اسلامی ابداع کردند به گونه‌ای که در دوره‌های بعد نیز خانه‌های دانشمندان مورد توجه مشتاقان علم قرار گرفت. پرورش نخبگان برای اولین بار در مدرسه خصوصی امام صادق علیه السلام مورد توجه قرار گرفت و طی آن امام شیوه‌های نوینی در پرورش استعدادها برتر را معرفی کردند. در این دانشگاه بر تخصص‌گرایی، آموزش فنون مناظره، طبقه‌بندی علمی دانش‌پژوهان، کشف استعدادها و علایق فردی شاگردان و... تأکید می‌شده. در واقع

این‌ها از فعالیت‌های مهم امام در تربیت استعداد های برتر زمان بود که اکنون نیز در مجامع علمی مورد استفاده است. رواج حدیث‌نویسی، املا نویسی و نامه‌نگاری با امام در زمینه مسائل مختلف علمی، باعث به وجود آمدن کتاب‌ها و اصول فراوانی از شاگردان برجسته ایشان شد که هر کدام سرمایه علمی شیعه محسوب می‌شوند.

همچنین رویکرد آینده‌پژوهانه امام صادق (علیه السلام) در تربیت نخبگان و پیش‌بینی‌های دقیق ایشان، از انحرافات فکری و عقیدتی بسیاری جلوگیری کرد. امام با این روش، افقی گسترده و وسیع را پیش روی متولیان تربیتی جامعه قرار دادند؛ زیرا نخبگان متعلق به عصرهای آینده نیز هستند و گستره اقدامات آنان می‌تواند تا چندین قرن منشأ تحول باشد.

توجه امام به تخصص‌گرایی در بین نخبگان نیز جنبشی در علم و فرهنگ اسلامی به وجود آورد و توانست تمام مذاهب اسلامی را تحت تأثیر قرار دهد که طی آن، رشته‌هایی مانند کلام، خداشناسی و... به صورت دانشی تخصصی مورد استقبال دانشمندان اسلامی قرار گرفت.



منابع

- * **قرآن کریم**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۳ش.
۱. آل‌رضا، سیده آسیه، رحمت آبادی، اعظم، **نگاهی بر نقش امام صادق (ع) در دانشگاه جعفری**، تهران، مهر طاهر، ۱۳۹۳ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، **شرح نهج البلاغه**، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد، **شرح الاخبار فی فضایل الائمه الاطهار (ع)** حسینی جلالی، محمد حسین، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن ندیم، **الفهرست**، مصحح رمضان ابراهیم، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۵. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۶. اسد حیدر، **الامام صادق (ع) و مذاهب اربعه**، قم، مطبعه ستاره، ۱۴۳۷ق.
۷. افروز، غلامعلی، **روانشناسی تربیتی**، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲ش.
۸. امین زاده، محمدرضا، **فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی**، تهران، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۶ش.
۹. پیروزفر، سهیلا و موسوی‌نیا، سعیده سادات، «بررسی روایات لعن «زرارة بن اعین» با توجه به جریان‌های کلامی امامیه»، **علوم حدیث**، ش ۷۵، ۱۳۹۴ش، صص ۱۳۴-۱۱۶.
۱۰. پیشوایی، مهدی، **سیره پیشوایان**، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۲۲، ۱۳۸۹ش.
۱۱. ترک زاده، جعفر و دیگران، «واکاوی و اعتباریابی الگوی مدیریت استعداد در ظرفیت سازمانی دانشگاهی»، **توسعه اقتصاد**، ش ۱، ۱۳۹۸ش، صص ۴۷-۲۴.
۱۲. جباری، محمدرضا، «از سازمان وکالت تا فقاقت»، **معود**، ش ۳۸، ۱۳۸۲ش، صص ۴۵-۷.

۱۳. جعفریان، رسول، **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۱ش.

۱۴. حائری زاده، سید علی و دیگران، «بررسی تأثیر روابط اجتماعی استاد- دانشجو بر موفقیت تحصیلی دانشجویان»، **علوم اجتماعی فردوسی**، ش ۱، ۱۳۸۸ش، صص ۵۲-۲۷.

۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.

۱۶. حسونند، زهرا و کریمی نیا، محمد مهدی و انصاری مقدم، مجتبی، «مطالعه تحلیلی

سبک مناظرات امام صادق علیه السلام در اثبات امامت»، **پژوهش و مطالعات علوم اسلامی**، ش ۳۱، ۱۴۰۰ش، صص ۹۴-۱۰۷.

۱۷. حسینی هرنندی، سید محمد حسین، **نخبگان و انقلاب اسلامی**، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷ش.

۱۸. خدا بخشی هفشجانی، نسرین، «طراحی مدل خط مشی گذاری ارتقای نخبه پروری در نظام آموزشی ایران»، **خط مشی گذاری عمومی در مدیریت**، ش ۴۹، ۱۴۰۲ق، صص ۱۳۰-۱۱۱.

۱۹. خنیفر، حسین، **نگاهی دوباره به روش‌ها و فنون تدریس**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.

۲۰. خویی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحدیث**، بی‌جا، نشر ثقافه الاسلامیه، بی‌تا.

۲۱. درودی، فریبرز، «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن»، **نقد کتاب**، ش ۳، ۱۳۹۳ش، صص ۲۳۴-۲۲۱.

۲۲. دیالمه، حسنا، **الفکر التربوی الإسلامی عند الإمام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام**، بیروت، مکتبه العصریه، ۱۴۳۱ق.

۲۳. رستمی نسب، حلیمه و دیگران، «تعامل استاد - دانشجو و رابطه آن با رشد مهارت‌های شناختی دانشجویان»، **مطالعات آموزش و یادگیری**، ش ۲، ۱۳۹۸ش، صص ۲۰-۱.

۲۴. شریف زاده، حکیمه سادات و تسلیمیان، ناصر و جوادی بورا، محمدعلی، «جایگاه زیبایی شناسی در تعالیم تربیت دینی»، **فلسفه تربیت**، ش ۱، ۱۳۹۵ش، صص ۲۰-۵.
۲۵. شلبی، احمد، **تاریخ آموزش در اسلام**، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۲۶. طالب زاده شوشتری، لیلا و خادمی اشکذری، ملوک، «مدیریت بهینه منابع انسانی نخبه با بررسی نیازها، موانع و مشکلات و راهکارهای پیشنهادی از دیدگاه خود آن‌ها»، **پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی**، ش ۳، ۱۳۹۷ش، صص ۲۳۷-۲۱۵.
۲۷. طبرسی، احمدبن علی طبرسی، **احتجاج علی اهل اللجاج**، مصحح محمد باقر موسوی خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۸. طوسی، محمدبن حسن، **الأمالی**، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۲۹. طوسی، محمدبن حسن، **الغیبه**، ترجمه مجتبی عزیزی، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش.
۳۰. طوسی، محمدبن حسن، **التّهذیب**، موسوی خراسان، حسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۱. طوسی، محمدبن الحسن، **فهرست کتب الشیعه و اصواهم و اسما المصنفین**، طباطبایی، عبد العزیز، قم، مکتبه المحقق طباطبایی، بی‌تا.
۳۲. غنیمه، عبدالرحیم، **تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلام**، ترجمه نورالله کسایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.
۳۳. فاضل قانع، حمید، «آینده پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی»، **معرفت فرهنگی اجتماعی**، ش ۱، ۱۳۸۸ش، صص ۶۸-۴۵.
۳۴. فرازمند، علی، علم، «دانشمندان و جامعه»، **زیست‌شناسی ایران**، ش ۱، ۱۳۹۶ش، صص ۷-۱.
۳۵. فیض کاشانی، محمد محسن، **الوافی**، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۴۰۶ق.

۳۶. قمی، عباس، **سفینه البحار**، قم، نشر اسوه، ۱۴۱۴ق.

۳۷. کشی، محمدبن عمر، **اختیار معرفه الرجال**، مصحح مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، بی تا.

۳۸. کلینی، محمدبن یعقوب، **الكافی**، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۳۹. مازندرانی، محمد هادی، **شرح فروع کافی**، ترجمه محمد جواد محمودی و محمد حسین درایتی، قم، دارالحديث لطباعه و النشر، ۱۴۲۹ق.

۴۰. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۴۱. مروجی طبسی، محمد جواد، **امام صادق (ع) و تکریم شاگردان**، بی جا، نشر مبلغان، ۱۴۲۲ق.

۴۲. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، تهران، صدرا، ۱۳۶۷ش.

۴۳. مفضل بن عمر، **توحید مفضل**، قم، نشر داورى، بی تا.

۴۴. مفید، محمد بن محمد، **الاختصاص**، مصحح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ مفید، ۱۴۰۳ق.

۴۵. مفید، محمد بن علی، **الإرشاد**، تصحیح محمدباقر بهبودی، بی جا، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۹ش.

۴۶. مهریزی، مهدی، «مکتوبات حدیثی ائمه (ع)»، **میراث حدیث شیعه**، ش ۹، ۱۳۸۶ش، صص ۴۹-۷.

۴۷. میرداماد، محمد باقر، **التعلیقہ علی اصول کافی**، تحقیق مهدی رجائی، قم، الخیام، ۱۴۰۳ق.

۴۸. نجاشی، احمد بن علی، **رجال نجاشی**، قم، نشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.

۴۹. نوایی، علی اکبر، «الزامهای تخصص گرایی در حوزه ها»، **حوزه**، ش ۱۵۹، ۱۳۹۰ش، صص ۱۸۰-۱۵۴.

۵۰. نوروزی، رضاعلی و متقی، زهره، «زیبایی شناختی از منظر علامه جعفری و

پیامدهای تربیتی آن»، **بانوان شیعه**، ش ۲۱، ۱۳۸۸ش، صص ۱۳۲-۱۰۹.

۵۱. نوری، حسین بن محمد، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم، مؤسسه

آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.